

داستان های ما

Malik's story



LIDA Italia 

Villius Aistis Villimas

Sam Saf 

4



 فارسی / English  

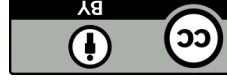


LIDA Stories

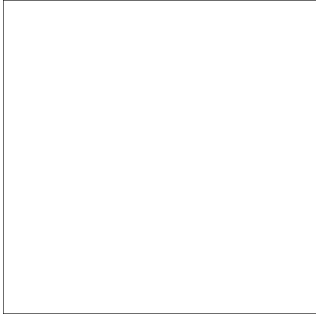
lidastories.net

داستان های ما / Malik's story

LIDA Italia 
 Villius Aistis Villimas
Sam Saf (fa) 



This work is licensed under a Creative Commons
[Attribution 4.0 International License.](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0)
<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>



اسم من مالک و سی و نه ساله. من در افغانستان بدنیا اومدم. دین من
بایدین رایج افغانستان فرق می کنه.

...

My name is Malik and I am 39 years old. I was
born in Afghanistan. My religion is different
from the main religion in Afghanistan.

I hope to go back to Afghanistan one day. Many people there need help, and I want to help them.

...

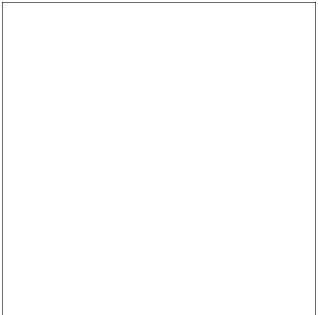
امیدوارم روزی که افغانستان به افغانستان باز آید. اوایل کمکی لازم است. به کمک بزرگان و من می توانم کمک کنم.

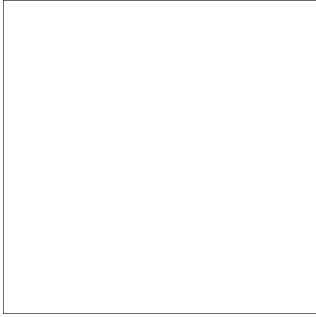


For many years, people who belong to my religion have been persecuted. This has been very difficult for my family.

...

مدتی است که مردم من تحت تعقیب بوده اند. این برای من بسیار دشوار است. برای خانواده من این کار دشوار بوده است.

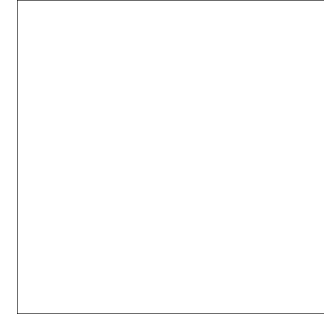




چند سال پیش اونجا جنگ بود. می ترسیدم که کشته بشم. من خانواده ام رو برای شروع یک زندگی جدید، ترک کردم و به اروپا رفتم.

...

A few years ago there was a war. I was afraid I would be killed. I left my family to go to Europe and start a new life.



بعد از اتمام یادگیری زبان، من شروع به کار کردم. من اول در یک رستوران کار کردم و بعد از اون معلم شدم. چون من میخوام به دیگران کمک کنم.

...

After studying I started working. First I worked in a restaurant, and then I became a teacher because I want to help others.



بلاخره رسیدم. اونجا چندتا هموطن رو دیدم که بهم کمک کردن.
نمی دونم بدون اونها من چیگر می کردم.

...

Finally I arrived. I met some people from my own country who helped me. I do not know what I would have done without them.



من شروع به یادگیری زبان کردم، اه سخت بود. من میدونستم که یاد گرفتن زبان برای کار پیدا کردن، مهمه.

...

I started to learn the language, but it was hard. I knew that speaking the language was important to get a job.